

پس از پنجاه سال
پژوهشی تازه پیرامون

قیام حسین علیه السلام

سید جعفر شهیدی

۱۳۵۹

ISBN: 964-430-344-X

نسخه الکترونیکی / عاشورا ۱۴۲۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و صلی الله علی محمد و آله الطاهریں

ترتیب و فصل بندی کتاب حاضر محصول سال های اخیر است، اما مطالب آن بتازگی نوشته نشده. از دیرباز یعنی از بیست سال پیش و شاید هم بیشتر- می خواستم درباره این حادثه مهم کتابی بنویسم و هر زمان مانعی مرا باز میداشت لیکن خاطره کار هیچگاه فراموش نکردید و هر چندی چون برقی که از دل ابر بجهد صفحه ذهن را روشن می کرد.

وظیفه امروز به فردا و این سال بعهدده سال بعد واگذار شد. با گذشت زمان بیشتر خواندم و بهتر اندیشیدم و هر بار جزئیات حادثه را در ذهن مرتب کردم و رابطه هر یک را با دیگری ژرف تر سنجیدم. چند سال پیش به مناسبت فرارسیدن ماه محرم خلاصه ای از آنچه در خاطر داشتم یا در یادداشت های پراکنده موجود بود در یکی از روزنامه های عصر تهران منتشر گشت. گروهی بسیار از دوستان و آشنایان با نامه و تلفن مرا مشمول عنایت خود ساختند، تا آنجا که یکی از دانشمندان خواست آن مقاله به عربی ترجمه و منتشر گردد. این عنایت ها که بیشتر از لطف خوانندگان ناشی بود تا از اهمیت اثر، موجب گردید تا بکوشم و کتاب را برای چاپ آماده سازم. خواست پروردگار چنین اقتضا کرد که کتاب در این روزها، بدین صورت به طالبان و علاقه مندان عرضه گردد.

چنانکه نوشتم آشنائی نویسنده با تاریخ این حادثه تازه نیست، و تاریخ آن از پنجاه سال می گذرد. این داستان را تا آنجا که مقدور بوده است از تاریخ های مجمل و مفصل، قدیم و جدید و حتی منظومه ها، مقتل ها مکرر خوانده ام و یا از این و آن شنیده ام. و اگر بگویم بیشتر کتابهایی را که در این باره نوشته شده از نظر گذرانده ام مبالغه نیست. درباره علل این رویداد، نخست عقیده من نیز همچون دیگر تاریخ نویسان گذشته و بعض نویسندهگان امروز بود، لیکن بررسی چند واقعه در تاریخ پنجاه ساله آغاز اسلام، سبب شد که این حادثه را نیز بگونه ای دیگر بررسی کنم تا علت یا علل حقیقی آنرا چنانکه بوده است دریابم. نتیجه این بررسی ها این شد که دانستم بخش مهمی از حادثه های تاریخ اسلام -بخصوص از آغاز، تا عصر اول عباسی- نه چنان است که تاریخ نویسان گذشته به قلم آورده اند و آیندگان آنرا بعنوان اصل مسلم پذیرفته اند.

آنچه مرا در این باره به تردید انداخت و سپس به جستجو کشاند، تحقیق درباره چند حادثه بظاهر کوچک بود که به مناسبت کتابها و مقاله هایی که در کار نوشتن آن بودم می بایست بررسی شود.

داستان غرانیق، داستان شهربانو، علت یا علل کشته شدن عمر و عثمان، توطئه خوارج در قتل علی (ع) جنایت هایی که به خوارج عصر علی (ع) نسبت داده اند، سعد بن عبدالله بن ابی سرح و افزودن او به قرآن، و داستان هائی از این قبیل که مورخان ساده لوح چون طبری و دیگران در کتاب خود آورده اند، و متأسفانه بعضی آن داستانهای بی اصل دستاویزی برای شرق شناسان و معاندان اسلام گردیده است.

در پایان این بررسی ها بود که دانستم بیشتر این وقایع بدان صورت که مورخان دیرین نوشته اند رخ نداده است، اما افسوس که آنان نوشته اند و مورخان بعد نیز تا آنجا که می خواسته اند و می توانسته اند، بدان پیرایه بسته اند. مسلم شد کمتر حادثه تاریخی است که از رنگ تبلیغات سیاسی امویان و عباسیان و یا تعصبات دینی، مذاهب مختلف بر کنار مانده و حقیقت آن دگرگون نشده باشد. به این نتیجه رسیدم که برای دریافت حقیقت تاریخی - هر چند بر اساس مظنه و احتمال هم باشد - خواندن متن تاریخ آن سالها به تنهایی کافی نیست، بلکه باید تاریخ را با دیگر شرایط، از جمله وضع جغرافیائی، اقتصادی و اجتماعی سنجید، چنانکه شیوه علمی تاریخ نویسان امروز هم همین است.

مورخان پیشین هر چند در ضبط وقایع کوشش بسیاری کرده اند و از این جهت بر اخلاف خود حقی بزرگ دارند، اما در تحلیل و تحقیق آن چنانکه باید رعایت شرایط لازم نشده است و در این باره آنان را معذور باید داشت، چه این راهی است که تلاشهای علمی قرن گذشته و حاضر به روی پژوهندگان گشوده است. بهر حال چنانکه در متن کتاب آمده است، اگر تاریخ اسلام با بینشی نو بررسی شود، پرده از روی بسیاری از وقایع پراهمیت برداشته خواهد شد.

درباره تحلیل این حادثه چنانکه نوشته ام، تا آنجا که ممکن بوده است از کوشش دریغ نکرده ام و رویدادها را یکی با دیگری سنجیده و با دیگر وقایع مقایسه کرده ام.

به هنگام نوشتن مطالب از ماخذ به آنچه نزدیکتر به حادثه بوده است استفاده کرده ام چه احتمال دستکاری و تغییر در آن کمتر است، مگر یک دو کتاب که مطالبی در خور ذکر داشته است. اما هنگام بررسی، به نوشته های بعد نیز از قرن پنجم تا عصر حاضر، تا آنجا که میسر بوده مراجعه شده است. برای بررسی وضع سیاسی و اجتماعی اسلام تا پایان عصر خلفا کتاب های بعضی مورخان غربی که در اسلام مطالعه دارند نیز از نظر دور نمانده است.

چنانکه نوشته ام، قدیم ترین سند کتبی با زمان حادثه در حدود دو قرن فاصله دارد، اما چاره ای جز استناد به همین مدارک نیست. خداوند بزرگ همه ما را از ارتکاب هر گونه خطا باز دارد.
آمین!

سید جعفر شهیدی

تهران، اسفندماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هفت